

«تذکره‌ای در انزوا»

بررسی انتقادی چاپ‌های لطایف‌نامه و معرفی نسخه آن

سعید شفیعیون*

چکیده

لطایف‌نامه فخری هروی از کهن‌ترین و البته معروف‌ترین ترجمه‌های یکی از تذکره‌های مهم قدیمی شعر فارسی، مجالس‌النفایس، است. از این ترجمه، حدود هشتاد سال پیش، دو چاپ صورت گرفته که بواسطه اتخاذ شیوه انتقادی تصحیح و اتکای بر تک‌نسخه و کم‌کوشی در تحقیق خالی از غلط و سقط نیستند. در این مقاله ابتدا بسیار گذرا، به وجوه اهمیت اصل کتاب مجالس‌النفایس و ترجمه‌های موجودش اشاره شده است. سپس دو ترجمه مجالس، یعنی لطایف‌نامه فخری و هشت‌بهشت، را با آن مقایسه کرده‌ایم و در این میان چند نسخه کهن لطایف‌نامه و یک نسخه خطی از مجالس‌النفایس را به همراه صورت چاپی‌اش مطمح نظر قرار داده‌ایم. همچنین عبارات مشترک مجالس‌النفایس و لطایف‌نامه و عرفات‌العاشقین را با هم مقایسه و بسیاری از اشتباهات و نواقص چاپ حکمت را اصلاح کرده‌ایم.

کلیدواژه‌ها: تذکره مجالس‌النفایس، لطایف‌نامه، نسخ خطی، عرفات‌العاشقین، تصحیح، اغلاط و نواقص چاپی

تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۷ تاریخ پذیرش: ۹۳/۶/۲۳

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان / saeid.shafieion@gmail.com

مقدمه

تذکره‌های ادبی بنا به ویژگی‌های محتوایی و ساختاریشان به اقسام مختلفی تقسیم می‌شوند که بعضی از آنها بسیار مهم‌تر و برجسته‌تر از اقسام دیگرند. برای مثال عموماً تذکره‌های «عصری» نسبت به تذکره‌های «عمومی» حاوی اطلاعات اصیل‌تر و صحیح‌ترند، زیرا اطلاعاتشان تازه و اغلب مشاهدات عینی مؤلف یا منابع موثق و راویان ثقه است. حال که سخن از اصالت به میان آمد، ناگزیر از بیان این سخنیم که تذکره‌ها بر این اساس هم به تذکره‌های اصیل و غیراصیل تقسیم می‌شوند که رده دوم خود شامل تذکره‌های مترجم و تذکره‌های تلخیصی و تذکره‌های ذیلی‌اند. البته با توجه به برخورد مترجم با متن در برگردان اثر می‌توان تا حدی برای این سخن تذکره‌ها نیز اصالت قائل شد. برای مثال ترجمه‌های معتبری هستند که جدای از وفاداری به متن، رویکردی تصحیحی-تنقیدی دارند و گاه، افزون بر مطالب متن اصلی، از اطلاعات تازه و متنوع سودمندی نیز برخوردارند؛ چنان‌که می‌توان این تذکره‌ها را تذکره‌های «عصری ذیلی-ترجمه‌ای» خواند.

مجالس‌النفیس، از لحاظ زمانی، سومین تذکره موجود و مشهور شعر فارسی است^۱ و از نظر زبانی ظاهراً نخستین تذکره شعرای فارسی به زبان غیرفارسی، یعنی ترکی جغتایی، است. این کتاب به غیر از شأن سیاسی و علمی نویسنده‌اش، امیر علیشیر نوایی، حاوی اطلاعات دست اولی در باب سراینندگان پایان دوره تیموری است که موجب شده از همان روزگار توجه بسیاری از مخاطبان ادب پارسی در اقصی نقاط جغرافیای فرهنگ ایرانی اسلامی را به خود جلب کند و ادبا و دانشمندان برجسته‌ای به ترجمه‌های متعددی از آن دست یازند. در این میان نخستین ترجمه،

۱. البته حسام‌الدین راشدی نخستین تذکره را تذکره شعرای مولتان (تألیف قبل از سال ۶۰۰ق) می‌داند ولی من از موجودیت و ماهیت آن هیچ اطلاعی نیافتم (ر.ک: روضة‌السلطین و جواهرالعجایب، سلطان محمد فخری بن محمد امیری هروی، تصحیح سیدحسام‌الدین راشدی، انتشارات انجمن ادبی سندی، کراچی، ۱۹۶۸، مقدمه مصحح، ۱)

بسیار معروفتر و مقبول‌تر واقع شده است. از این کتاب چهار ترجمه دیگر نیز موجود است که جز یکی از آن‌ها، هشت‌بهشت، مابقی هنوز در دسترس محققان ایرانی قرار نگرفته است (ر.ک: گلچین معانی، ۱۳۶۳: ۱/۱۲۳-۱۲۸).

ما در این مقاله ضمن معرفی این اثر به بررسی یکی از مهم‌ترین ترجمه‌های آن - لطایف‌نامه - و نقد چاپ‌هایش می‌پردازیم و بر ضرورت تصحیح مجددش تأکید می‌ورزیم.

در باب این ترجمه هیچ تحقیق درخوری نیافتیم و گلچین معانی هم در کتابش، تاریخ تذکره‌های فارسی، خلاف معمول اقتصار ورزیده و تنها به نقل بعضی عبارات مقدمه چاپ حکمت کفایت کرده است. رضا اشرف‌زاده نیز در یک مقاله با عنوان «شیوه نقد و نقادی در تذکره مجالس‌النفایس» (۱۳۸۸: ۷-۲۳) سعی کرده که از طریق تطبیق دو ترجمه آن، هشت‌بهشت و لطایف‌نامه، اختلافات دیدگاه انتقادی حکیم شاه‌محمد قزوینی و امیرعلیشیر را نشان دهد: تسامحی که به دور از تحقیق به نظر می‌رسد، زیرا نمی‌توان در تمام متن لطایف‌نامه، قول مؤلف و مترجم را از یکدیگر تمیز داد و قاعدتاً چنین تحقیقی باید میان ترجمه و اصل ترکی کتاب صورت می‌گرفت.

۱) گذری بر مجالس‌النفایس و دو ترجمه مشهور آن

۱-۱) مجالس‌النفایس امیرعلیشیر نوایی

این کتاب که به سال ۸۹۶ به قلم میرنظام‌الدین علیشیر (م ۹۰۶)، متخلص به «نوایی» و نیز «فانی» در هشت مجلس نگاشته و تدوین شده، شامل چهارصد و سی و هشت شرح حال اصلی است که در آن، ضمن بیان احوال و آثار بعضی صاحبان تراجم، به زندگی و آثار برخی از منتسبان‌شان نیز پرداخته شده است^۱. باید افزود که از

۱. حکمت (نوایی، ۱۳۶۳: د) با توجه به نسخه‌ای که از مجالس در دست داشته، تعداد تراجم را سیصد و هشتاد و پنج نقل کرده است. باید متذکر شد که بعضی این اختلافات به سبب اصلی انگاشتن تراجم

هفده شاعر، جز شعر ترکی و از یک سراینده، جز یک شعر عربی نقل نشده و حتی برای دو صاحب ترجمه، تیمور گورکانی و شاهرخ، هیچ سروده‌ای که متعلق به شخص ایشان باشد، ذکر نشده است. با این حساب، در این تذکره به شرح احوال چهارصد و هجده سراینده شعر فارسی پرداخته شده است. مؤلف در این کتاب، هم در بخش تراجم و هم در قسمت شواهد، اختصار ورزیده است، و بنابراین، تذکره او را می‌توان، به نوعی، تذکره عصری - اختصاری نامید. مضافاً آن‌که، وی پای بسیاری از شعرای متفنین را به تذکره‌اش باز کرده و با این کار سنتی ناخوش نهاده است. امثال عوفی و دولت‌شاه نیز گهگاه از شاعران متفنین در آثارشان یاد کرده‌اند، اما اغلب ایشان از شاهان و سلاطین بوده‌اند و نه آن‌گونه که در این دوره و ادوار بعد می‌بینیم، مثنوی مسخره و گدا یا به قول صاحب عرفات «رند چپانی» باشند. منصفانه باید گفت که در این دوره شعر در حال تبدیل شدن به ابررسانه‌ای شایع و همه‌پسند است. بویژه که اوضاع نسبتاً خوب دوران سلطان حسین بایقرا نیز زمینه این شاعرپیشگی را بعد از چند قرن آشفتگی و فراهم آورده است. با این حال، عوام‌زدگی حاکم بر آن به گونه‌ای است که یک قرن بعد اوحدی بلیانی (۱۳۹۰: ۱۱۶۶/۲) به فریاد آمده و گفته است:

«این همه طنطنه و آوازه او به دولت تربیت اهل سخن است و الا پادشاهی و آلکای او نسبت به دیگر سلاطین محقر و اندک است و الحق بر زبان خاص و عام شکر زمان و تربیت او مذکور است؛ الا این بنده را که متأمل و متألمم. چه، وی اگر چه دقیقه‌ای در تربیت اهل سخن مهمل نگذاشت، اما شعر را از علم جدا کرد و هر کسی که مصرعی موزون می‌گفت، تربیت او می‌نمود تا شعر به خسیسان و نامستعدان افتاد. لهذا امروز بدان

→
ضمنی است. برای مثال شیخ عبدالله دیوانه، پدر شیخ‌زاده انصاری، در چاپ حکمت (همان: ۱۰۳ و ۲۷۷) مدخل اصلی به شمار نیامده، ولی در چاپ مجالس تاشکند (۱۹۶۲: ۱۶۱) مدخل اصلی محسوب شده است. برای اطلاع بیشتر از این کتاب و نیز احوال و آثار امیرعلیشیر و نسخ موجود آنها ر.ک: تذکره شعرا، استوری، ترجمه تقی بینش، جستارهای ادبی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد)، پاییز ۱۳۴۷، ش ۱۵، ۲۶۹-۲۸۲.

درجه رسیده که باعث خواری و سرزنش بلکه موجب عار و ننگ شده. و قبل از او مردم اول متوجه علوم شده، در جمیع کمالات تمام گشته، آخر ارتکاب شعر می فرمودند؛ لهذا آن قسم جمعیت پیدا می شدند که شاید و باید».

در واقع امیرعلیشیر تنها سه مجلس نخست کتاب را به زعم خود به شعرای حرفه‌ای اختصاص داده و مجالس دیگر را با ذکر فضلا و رجال متفنن و شاهان شعرگو یا شعر دوست بر ساخته است.

درباره شیوه فصل بندی این کتاب نیز باید گفت که ابواب اولیه اش بر اساس سنخیت زمانی و نحوه ارتباط صاحبان تراجم و مؤلف تنظیم شده است: معیاری که در ابواب بعد جایش را به جایگاه طبقاتی صاحبان احوال می دهد. در واقع فصل یا مجلس اول حول شاعرانی است که امیرعلیشیر سالهای پایانی زندگی آنها را دورادور دریافته است. فصل دوم شعرایی هستند که مؤلف در آغاز عمر محضرشان را درک کرده و در نتیجه هنگام تألیف مجالس النفایس (۱۸۹۶) آنها در قید حیات نبوده اند؛ اما فصل سوم شعرایی هستند که ایشان بخت دیدار و ملازمت امیر را یافته اند. مؤلف در این تذکره عصری، سه نسل از شعرای معاصرش را ثبت و ضبط کرده است. فصل چهارم به بعد به ذکر طبقات شعرای فاضل و امیرزاده و امیران تیموری و ممدوح - سلطان حسین بایقرا - اختصاص داده شده است. این اسلوب طبقه بندی که در تذکره‌های ادبی فارسی بی سابقه به نظر می رسد، بعدها در آثاری مانند مذکر احباب، مجمع الخواص، تذکره الشعرای مطربی سمرقندی و مذکر الاصحاب ملیحای سمرقندی پیروی شده است. از لحاظ محتوایی نیز باید گفت که سهم عمده اطلاعات منابع اصیلی چون تحفة سامی، مذکر احباب، نفایس المآثر، هفت اقلیم و عرفات در باب شعرای قرن نهم و دهم برگرفته از این کتاب و یا ترجمه‌های آن است. در بین اینها بویژه اوحدی در عرفات العاشقین، بیشترین بهره را از این کتاب برده است، تا آن جا که عمده مطالب مربوط به بخش متوسطانش را از آن جا نقل کرده است. از این رو، می توان آن را یکی از نسخ کمکی در تصحیح مجالس النفایس فرض کرد.

بر اساس جستجوی نگارنده، از این کتاب تنها یک تصحیح انتقادی در تاشکند از بکستان به سال ۱۹۶۱ میلادی توسط سویمه غنیوا فراهم آمده است که متأسفانه به سبب بیگانگی ایرانیان با زبان ترکی جغتایی، متن و زبان روسی و خط سیریلیک مقدمه و حواشی و فهرس و دوری از فضای فرهنگی آن منطقه، هیچ مقاله و یادداشتی هم در معرفی آن سراغ نداریم.

۱-۲) لطایف‌نامه فخری هروی

این کتاب را سلطان محمد بن محمد امیری هروی متخلص به فخری^۱ به حبیب‌الله ساوجی وزیر تقدیم کرده است. سال نگارشش به روشنی معلوم نیست، اما بر اساس قرآنی آن را تألیف سال ۹۲۷ یا ۹۲۸ دانسته‌اند^۲. گلچین معانی (۱۳۶۳: ۱۱۹/۲) مدعی است که این اثر نخستین بار در تاشکند به سال ۱۹۰۸م و برای بار دوم در مجله اورینتال کالج لاهور در فاصله ۱۹۳۳-۱۹۳۱ به چاپ رسیده است. از چاپ نخست هیچ نشانی نیافتم و گمان می‌کنم که مقصود گلچین معانی همان متن ترکی چاپی است که در پیوست تذکره‌های افضل‌التذکار باغ ارم نشر یافته است (ر.ک: استوری، ۱۳۴۷: ۱۰۶). اما در باب چاپ اورینتال کالج باید گفت که دکتر عبدالله این کتاب را بر اساس تک‌نسخه بریتیش میوزیوم به شماره ADD.7669 و به تاریخ کتابت ۹۶۵ در چند شماره به تفاریق و طی سال‌های ۱۹۳۱-۱۹۳۳ همراه با حواشی قابل توجه به چاپ رسانیده است. این در حالی است که علی اصغر خان حکمت نیز این ترجمه را بر اساس تک‌نسخه مورخه ۹۹۲ به شماره ۳۱۲۸ متعلق به کتابخانه ملی تبریز بی‌هیچ تعلیقه تحقیقی همراه ترجمه دیگری از همین کتاب چاپ کرده است. به

۱. برای اطلاع از احوال و آثار فخری هروی ر.ک: روضة السلاطین و جواهر العجایب، مقدمه مصحح و نیز ترجمه همان مقدمه با عنوان «فخری هروی و سه اثر او» از محمد مظفر، جستارهای ادبی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد)، تابستان ۱۳۵۰، ش ۲۵، ۴۲۱-۵۰۸.

۲. ر.ک: همان: ص ۴۶۳

علاوه، این مرد بزرگ اشتباهی نیز در عالم کتاب‌شناسی کرده است، و آن اینکه که به این ترجمه‌ها عنوان تذکره مجالس النفایس داده و نام مؤلفش را نیز میرعلیشیر نوایی آورده است. بر همین اساس امروز هر محقق دقیقی در ارجاعاتش به این کتاب گرفتار سردرگمی می‌شود، زیرا نویسنده یا نویسندگان بخش عمده‌ای از این کتاب، مترجمان آنند. فخری ضمن ترجمه هشت مجلس، متن اصلی، بخشی را نیز به عنوان مجلس نهم به برخی از شعرای معاصرش اختصاص داده است. وی همچنین بواسطه آن که در عناوین بعض مجالس از اصطلاح لطایف استفاده کرده است و ظاهراً مرادش همان بیان احوال و اشعار صاحبان تراجم بوده، نام لطایف‌نامه را برای این تذکره مترجم عصری ذیلی برگزیده است. کار او از همان آغاز نظر به اهمیتی که داشته، بسیار مورد توجه تذکره‌نویسان پس از وی، مثل کامی قزوینی و اوحدی بلیانی، قرار گرفته است. البته اوحدی (۱۳۸۹: ۳۱۹۸/۲-۳۱۹۷) وی را در دو شرح حال جداگانه، یک بار سلطان محمد امیری و بار دیگر فخرالدین محمد هروی، خواننده است. اوحدی با آن که ظاهراً سعی داشته میان مطالب مجالس امیر و لطایف‌نامه امیری با ذکر نام «امیرعلیشیر» و «مترجم مجالس» تمایز ایجاد کند، اما گاه بی‌دقتی کرده است، چنان که راوی مطالب مجلس نهم را نیز گاه میرعلیشیر عنوان می‌کند و یا مطلبی را به مترجم مجالس نسبت می‌دهد که در اصل قول امیرعلیشیر است^۱. با این همه به لحاظ برخی تصریحات وی به لطایف‌نامه و اختلاف این نوع مطالب مطروحه^۲ وی مطمئنیم که لطایف‌نامه مورد استفاده اوحدی بسیار غنی‌تر از لطایف‌نامه‌های چاپی بوده است. آخرین نکته قابل ذکر در باب این اثر آن است که گاه شخص فخری در مطاوی کتاب

۱. برای مثال ترجمه جانی محمد (اوحدی، ۱۳۸۹: ۱۰۰۶/۲) را به امیرعلیشیر نسبت داده، در حالی که

مأخذ آن مجلس نهم لطایف‌نامه است و نگارنده‌اش، طبعاً فخری هروی است و نه امیرعلیشیر.

۲. مثلاً در ضمن ترجمه اوحد مستوفی (همان: ۵۱۴/۱) می‌گوید که مترجم مجالس النفایس، تاریخ‌گزیده

را به وی نسبت داده است و یا در ضمن ترجمه قاضی بصیر (همان: ۸۱۸/۲) گفته که مترجم

مجالس النفایس، قاضی بصیر را فرزند قاضی تبتل دانسته است و مواردی نظیر آن که نگارنده در چاپ

حکمت نیافتیم.

تمایز لحنی را رعایت کرده، آن‌گونه که خواننده خود متوجه ارجاع این سخن به مترجم می‌گردد.^۱ سوای الحاقات تراجم و گاه اشعار، دخل و تصرفات وی را بیشتر می‌توان از جنس بیان سلیقه و ذوق شخصی و یا بعضاً توضیح و تبیین مطالب دانست.^۲

۱-۳) هشت‌بهشت حکیم شاه محمد قزوینی

محمد بن مبارک القزوینی^۳ که بواسطه اشتغال به طبابت در دربار عثمانی به حکیم‌شاه معروف بوده، طی سال‌های ۹۲۷-۹۲۹ مجالس النفایس را به فارسی ترجمه، و به سلطان سلیم تقدیم کرده است. این ترجمه مطابق چاپ حکمت، حاوی هشت بخش با عنوان «بهشت» و پانصد و چهل و نه مدخل است و نسبت به ترجمه فخری هروی کمتر با متن اصلی مجالس مطابقت دارد و این امر به گمانم تا اندازه‌ای به سبب آن است که این کتاب در باب عالی عثمانی نگاشته شده، در حالی که لطایف در حال و هوایی همانند زمان مجالس تألیف شده است. هم از این روست که حکیم‌شاه مجلس هشتم، ذکر احوال سلطان حسین بایقرا، را مختصر کرده و در قالب یک ترجمه به بهشت هفتم انتقال داده است. نکته جالب توجه دیگری توجهی عام نسبت به نقل تمام اشعار ترکی مجالس است. برای مثال وی به جای ایراد شواهد ترکی به ذکر شواهد فارسی بسنده کرده^۴ و کسانی مانند ابابکر میرزا را که تنها شعر

۱. ر.ک: نوایی، ۱۳۶۳: ۷ و ۱۰-۱۱. حکمت بی‌جهت سعی کرده تا این عبارات را برای دستیابی سریع خواننده داخل قلاب بیاورد. نیز وی برای برجسته‌سازی عبارات اضافی لطایف نسبت به نسخ مجالس ترکی، باز از قلاب استفاده کرده است (ر.ک: همان: ۱۱۲-۱۱۳).

۲. مثلاً، در ترجمه صاحب بلخی (همان: ۱۵-۱۶) به گونه‌ای سخن رانده است که گویا امیرعلیشیر بسیار حرف‌های زنده‌ای در شرح حال این شاعر آورده است و او به عنوان مترجم ناگزیر از حذف اغلب آن شده است. برای بعض خردگیری‌های علمی وی، نیز ر.ک: همان: ۴۱، ۲۱، ۲۹، ۵۶، ۸۱، ۱۲۴، ۱۳۱ و اضافات محتوایی، همان: ۳۳، ۵۲، ۶۱، ۶۸-۶۹ و تلخیص، همان: ص ۹۷

۳. برای اطلاع از احوال حکیم‌شاه ر.ک: همان: ل-لج

۴. مثلاً، حکیم‌شاه (همان: ۳۱۵) شاهد ترکی سیداحمد میرزا را که در اصل متن ترکی (نوایی، ۱۹۶۲: ۲۰۲) و ترجمه فخری (نوایی، ۱۳۶۳: ۱۲۶) آمده، حذف کرده است. برای مثال، فخری هروی در مجلس هفتم و هشتم تعدادی از اشعار ترکی را آورده، ولی اختصار ورزیده و اشعار فارسی را به آن ←

ترکی دارند، به کلی حذف نموده است. ظاهراً این نشان از فارسی‌دوستی پادشاهان ترک عثمانی دارد، در حالی که فخری هر وی نسبت به ذکر اشعار ترکی مجالس محافظه‌کارانه عمل کرده است.^۱ افزودن روضه اول به بهشت هشتم نیز که به قول حکمت (همان، ص لا) اغلب نقلِ مغلوب مطالب بهارستان جامی است، نشانی دیگر بر توجه سلطان سلیم و سایر رجال دربار وی به ادب پارسی است. با این حال، در میان هشتاد و یک ترجمه روضه دوم بهشت هشتم، حدود چهل شاعر هستند که ذکرشان در این کتاب دست‌کم نسبت به مجالس امیرعلیشیر تازگی دارد.^۲ همچنین باید گفت، وی برخی از شعرا را که در هفت بهشت نخست از قلم انداخته، در بهشت هشتم ذکر کرده است، مانند علی شهاب.^۳ فرجام سخن آن‌که هر چند صاحب این ترجمه حدود نود و پنج شاعر مجالس امیر را از قلم انداخته و حدود یک‌صد و شصت مدخل در بهشت هشتم آورده است، نزدیک به شصت و هشت ترجمه اضافی نیز در بهشت ششم کتابش، که همان مجلس ششم مجالس نوایی است، وارد کرده است.

→ افزوده و توجیه کرده است که «غرض از فارسی این نسخه شریف آن‌که از الفاظ و عبارات ترکی بعضی مخادیم که بهره‌ای ندارند، مستفید شوند، پس این مجلس را بدین غزل فارسی میرزا [سلطان حسین] اختصار کرد» (همان: ۱۳۱).

۱. برای مثال، فخری هر وی در مجلس هفتم و هشتم تعدادی از اشعار ترکی را آورده، ولی اختصار ورزیده و اشعار فارسی را به آن افزوده و توجیه کرده است که «غرض از فارسی این نسخه شریف آن‌که از الفاظ و عبارات ترکی بعضی مخادیم که بهره‌ای ندارند، مستفید شوند، پس این مجلس را بدین غزل فارسی میرزا [سلطان حسین] اختصار کرد» (همان: ۱۳۱).

۲. منظور از این عبارت آن است که هستند شاعرانی مانند امیدی رازی و گلخنی قمی که هم فخری و هم حکیم‌شاه به الحاقاتشان توجه کرده‌اند. البته حکیم‌شاه، گلخنی را در بهشت ششم (همان: ۲۹۷) آورده و این‌گونه جلوه داده که شرح زندگی وی در مجالس امیر بوده است، در حالی که نویسنده این سطور نشانی از وی در آن کتاب نیافت (نوایی، ۱۹۶۲: ۱۹۰) و فخری هر وی نیز نام وی را در مجلس نهم (نوایی، ۱۳۶۳: ۱۶۱) آورده است.

۳. البته حکیم‌شاه وی را تنها «شهاب» معرفی کرده و شعری را هم که برای او آورده، رباعی است که با شاهد مجالس متفاوت است. قرینه‌ای که ما را به این نظر رساند، اشتراک آنها در هزل‌گویی است (ر.ک: همان: ۱۷ و ۳۸۵).

۲) نسخه‌شناسی لطایف‌نامه

در میان نسخی که از این اثر در دنیا شناخته شده است می‌توان به قدیم‌ترین آن، یعنی نسخه کتابخانه فرهاد معتمد، اشاره کرد که شوربختانه از آن نشانی در دست نیست. پس از آن، نسخه کتابخانه بریتیش میوزیم با فاصله پنج سال بعد از نسخه معتمد قدیم‌ترین نسخه موجود از لطایف‌نامه است که نسخه‌ای نسبتاً مضبوط و کامل است. نسخه ارزشمند دیگر متعلق به دانشگاه تهران است که چهارده سال بعد از نسخه سابق‌الذکر نگاشته شده و در واقع از نسخ خویشاوند وی به شمار می‌آید، آن‌گونه که به گمان نگارنده هر دو از یک مادر نسخه زاده شده‌اند. آخرین نسخه قابل اعتنا در، از آن کتابخانه ملی تبریز است که سیزده سال پس از نسخه دانشگاه تهران کتابت شده و نسبت به آن نسخ از کمال و صحت بسیار کمتری برخوردار است. در دانشگاه تهران دو نسخه دیگر نیز به عنوان نسخ خطی این اثر معرفی شده است که در واقع یکی رونویسی بسیار متأخر از دست‌نویس ناقص کتابخانه ملی تبریز است و دیگری نیز همان فرم پیش از چاپ کتاب با حواشی و اصلاحات حکمت است. این نسخ به شرح ذیلند:

۱-۲) نسخه کتابخانه شخصی فرهاد معتمد، شماره ۲/۳۰۳، کتابت نستعلیق فتح‌الله بن ابی‌مکارم حجازی، مورخه پنج شنبه ۹ ربیع الثانی ۹۶۰ (نشریه: ۱۳۴۲: ۲۳۲/۳)

۲-۲) نسخه کتابخانه بریتیش میوزیم، شماره ADD.7669، ۹۶۵ هجری قمری
 ۳-۲) نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۷۸۹۴، کتابت نستعلیق در پایان ذیقعه ۹۷۹، دارای ۱۱۶ برگ (ف: ۱۶-۷۲۷)

۴-۲) نسخه کتابخانه ملی تبریز، شماره ۳۱۲۸، کتابت نستعلیق ضیاء‌الدین محمدبن تاج‌الدین حسین حسینی مازندرانی، مورخه ۹۹۲ (ف: ۳-۱۲۲۱). این همان نسخه حاجی‌آقای محمد نخجوانی است که به تصحیح حکمت رسیده است.

۲-۵) نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۵۵۷۴، کتابت نستعلیق خانم کشمیرزاده (تا صفحه ۱۵۱) و میرصادقی، گویا مورخه ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ شمسی، دارای ۱۱۸ برگ/ (ف: ۱۶-۳۸)

۲-۶) نسخه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۹۰۸۸ که در اصل همان فرم چاپی با اصلاحاتی به خط حکمت است و در بخش نسخ خطی نگهداری می‌شود.

۳) نقد چاپ‌های لطایف‌نامه

حدود یک قرن پیش دو تصحیح از لطایف‌نامه در شبه‌قاره و ایران به انجام رسید. البته در این میان فضل تقدم و تقدم فضل با دکتر سیدعبدالله پاکستانی است که تصحیحش در بیست و یک دسامبر ۱۹۳۲ برابر سی‌ام آذر ۱۳۱۱ نشر یافت، اما به سبب دور از دسترس بودن و انتشار پراکنده‌اش در مجله اورینتال کالج، در فاصله ۱۹۳۱-۱۹۳۲، آن‌گونه که درخور بود، مورد توجه اهل تحقیق قرار نگرفت و حتی شناخته نشد. گواه این ادعا آن‌که علی‌رضا نقوی (۱۳۴۷: ۹۴) از ادبای هم‌وطن مصحح در کتابش تنها به چاپ حکمت ارجاع داده است. هم از این رو، به نظر می‌رسد که علی‌اصغر حکمت نیز احتمالاً بی‌خبر از این چاپ، سیزده سال بعد با تکیه بر نسخه‌ای دیگر به تصحیح لطایف‌نامه پرداخت. با آن‌که بر این دو چاپ، اشکالات مختلفی اعم از بی‌کفایتی کمی و کیفی نسخ و برخی مسامحات مصححان وارد است، اما باید گفت در مجموع چاپ سیدعبدالله از لحاظ علمی بسیار مقبول‌تر و مفیدتر است. نویسنده این سطور ضمن اینکه در قیاسی تطبیقی، معایب و محاسن این دو چاپ را نسبت به یکدیگر تبیین می‌کند، با استفاده از نسخه خطی لطایف‌نامه متعلق به کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۷۸۹۴ و متن اصلی چاپی مجالس‌النفایس و نسخه خطی آن متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۳۵۲۴/۴ و عرفات‌العاشقین اوحدی و چاپ حکمت از هشت بهشت حکیم شاه‌محمد قزوینی و نسخه خطی آن متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۶۵۲۳، تعداد

زیادی از اغلاط و نواقص این دو چاپ را به معرض دید خوانندگان می‌گذارد:

۱-۳) عیارسنجی نسخ و شیوه تصحیح آنها

هر دو مصحح به سبب در دست داشتن نسخه‌ای واحد از این اثر و نیز اعتقاد مفرط به شیوه مرسوم مصححان آن روزگار، یعنی تصحیح انتقادی، پایبندی تام و تمامی به ضبط‌های نسخه‌شان داشته‌اند و هرگونه نظر اصلاحی و انتقادی‌شان را در پانویس متذکر شده‌اند. تک نسخه مورد استفاده سیدعبدالله، نسخه کتابخانه بریتیش میوزیم و تک نسخه مورد استفاده حکمت، نسخه کتابخانه ملی تبریز است. با این حال هر دو مصحح سعی کرده‌اند تا از نسخ خطی متن اصلی ترکی مجالس‌النفایس نیز به عنوان نسخه‌های کمکی بهره گیرند و ضبط‌های آن را که گاه صحیح‌تر از نسخ اساسشان است، در پانویس ثبت کنند. با آن‌که هیچ‌کدام از ایشان، در سرتاسر متن، خود را متعهد به تطبیق نسخه اساسشان با نسخ کمکی ندانسته و گزینشی عمل کرده‌اند، اما باید گفت سیدعبدالله در این باب وسواس بیشتری به خرج داده است و برخلاف حکمت، صرفاً به اختلاف نام شاعران نپرداخته و عباراتی افزون‌تر و بعضی تراجم از قلم‌افتاده را نیز از نسخ ترکی در پانویس آورده است.^۱

۲-۳) عیارسنجی تحقیق متن

تحقیق در تصحیح متن، نخست ضمانت‌کننده صحت متن مصحح است که البته امری ذاتی و ضروری و عموماً غیر آشکار، و دیگر آن‌که امری است عرضی و آشکار و متجلی در بخش‌هایی با عناوین مقدمه و تعلیقه یا حواشی و یادداشت. در واقع باید گفت بایسته امر تصحیح، محقق شدن تمام مفاهیم و سطوح متن و دست‌کم مجهولات آن برای مصحح است و گرنه کار در حد کتابت یا حروف‌چینی از

۱. برای نمونه ر.ک: فخری هروی، نوامبر ۱۹۳۱، ص ۶۶ و ۶۸. این در حالی است که حکمت (نویس، ۱۳۶۳: ۷۰-۷۱) با در دست داشتن چندین نسخه از مجالس‌النفایس همچنان افتادگی‌های عنوانین شعرایی مانند وفایی مشهدی، قرانی مشهدی و شادی مشهدی و... را جبران نکرده است.

اثر متوقف می‌گردد و عنوان مصحح برای فراهم‌آورنده این متن نامطمئن بسیار سنگین و دور از احتیاط است و می‌بایست وی را «چاپ‌کوش» نامید. شگفت آن‌که این امر بدیهی امروز بسیار مهجور و مغفول واقع شده، آن‌گونه که تحقیق در متن را صرفاً مجموعه‌ای از یادداشت‌ها و توضیحات پراکنده ناستواری تلقی می‌کنند و در آن هیچ متر و معیاری برای ابهامات و مشکلات متن در نظر گرفته نمی‌شود و گویی تمام متون عالم یک‌گونه تعلیقات را برمی‌تابند. بر این اساس اگر بخواهیم تصحیحات لطایف‌نامه را در قیاس با یکدیگر داوری کنیم، باید بگوییم که مهم‌ترین امتیاز چاپ سیدعبدالله همین ویژگی است، هرچند که به نظر نگارنده وزن بخش تعلیقات آن نسبت به تحقیق در خود متن اثر بیشتر است؛ گواه این ادعا وجود اغلاط و نواقص بسیار در متن مصحح است. با این همه، شناخت دقیق وی از منابع اصیل و روشمندی ستایش‌برانگیزش در تحقیقات ادبی، این چاپ را از مزایای زیادی بر خوردار ساخته است؛ منابع او عموماً خطی و دشواریاب بوده و حتی امروز برای خیلی از اهل تحقیق صعب‌الحصول است. از این منظر، چاپ حکمت نسبت به چاپ سیدعبدالله ارزش کمتری دارد، در حالی که نسخه ناقص ایشان و انتخاب شیوه تصحیح انتقادی تک‌نسخه‌ای و خصلت تحریف‌پذیری تذکره‌ها در ثبت عناوین و تخلص‌ها چنین اقتضا می‌کرد که آن بزرگ‌مرد صرفاً به توضیح چند معما و برخی اختلافات ضبطی متن با نسخ کمکی ترکی بسنده نکند.

۳-۳) اختلافات، کاستی‌ها و اغلاط

در نخستین نگاه کلی به لطایف‌نامه‌های چاپی، آن‌چه بیش از همه رخ می‌نماید، اختلاف ضبط در عناوین شعراست و پس از آن اختلافات محتوایی، به گونه‌ای که در بعضی عبارات و تراجم و شواهد هیچ اشتراکی به چشم نمی‌خورد. با ملحوظ داشتن نسخه خطی لطایف‌نامه و متون کمکی‌ای مثل متن اصلی تذکره هشت‌بهشت و عرفات‌العاشقین این باور تقویت می‌شود که در چاپ حکمت، یعنی نسخه کتابخانه

ملی تبریز، اشتباهات بسیاری راه یافته است. البته ندرتاً در بعضی از ضبطها، چاپ حکمت با نسخه دانشگاه تهران و عرفات‌العاشقین هم‌خوانی دارد. این ترجمه، مطابق چاپ حکمت، حاوی نه مجلس و پانصد و هفتاد و چهار ترجمه است که از این میان حدود یکصد و هشتاد و هشت شاعر برافزوده فخری است. باید گفت که در هشت مجلس از چاپ حکمت، حدود پنجاه و دو شاعر مجالس چاپ تاشکند مغفول واقع شده‌اند، و بعید است که فخری خود دست به این حذف زده باشد. در چاپ سیدعبدالله، نسبت به چاپ حکمت، بیست شاعر ذکر نشده‌اند ولی در عوض، از شصت و دو شاعر اضافه‌تر نام برده شده است. افزون بر این، دو شاعر هستند که در هر دو چاپ عنوانشان حذف شده و شرح حال و شاهد شعریشان به شعرای قبل از خود پیوست شده است؛ یعنی، مثلاً، عنوان حافظ پناهی کمان‌ابرو در چاپ سیدعبدالله حذف شده و شرح حال و شاهد شعریش به شاعری سمرقندی که نامش نیز در نسخه ناخوانا بوده، انتقال یافته است (ر.ک: نوایی ۱۳۶۳: ۱۴۷؛ فخری هروری، ۱۹۳۲: ۲۴۲) و یا شعر نسیمی حذف شده و به جای شعر ملک‌احمد برای وی آمده است: شاعری که هم عنوان و هم شرح حالش از چاپ حکمت حذف شده است (ر.ک: همان، ۲۳۷ و نوایی، ۱۳۶۳: ۱۴۵). از اختلاف بدیهی ضبطهای نسخ اساس این دو چاپ که بگذریم، اختلاف و ناهمسانی بعضی عبارات و شواهد و تراجم، ظن تحریرهای مختلف این ترجمه را در نگارنده تقویت می‌کند؛ بویژه آن‌که حدوداً چهل

۱. آنان که با تذکره‌ها سر و کار جدی دارند می‌دانند که اعلام نظر قاطعانه، بخصوص در باب اعلام و تراجم و گاه شناخت صاحب شواهد این منابع، تا چه حد بی‌احتیاطی است. صرف‌نظر از تصحیفات و تحریفات و تسامحات ارباب تذکره‌ها یا نسخ آنها، تکیه به فهرس کتاب‌ها و دستیاب نبودن تمام نسخ، از دلایل دیگر این تانی و تردیدهاست. گاهی نام و نشان‌های گوناگون یک شاعر، مثل کنیه و لقب و تخلص و وجود مشابهت‌هایی با سایر اشخاص، موجب می‌شود که از درک حقیقت موضوع عاجز آییم. در باب ناستواری فهرست‌ها همین بس که مثلاً در فهرست لطایف‌نامه (۴۵۱) خواجه محمود سبزواری تبدیل به خواجه محمد سبزواری شده است و یا در فهرست عرفات‌العاشقین (۴۵۹۷/۸) تمام عناوین «مجالس» به «مجالس النفایس» ارجاع داده شده است که با این وضع یکی از کتاب‌های برجسته و ناشناخته حافظ عبدالقادر مراغه‌ای، یعنی مجالس، با این کتاب خلط شده است و البته این اشکال در هر فهرستی محتمل‌الوقوع است.

شاعر نیز در عرفات هستند که نامی از آنها در هیچ یک از نسخ خطی و چاپی بررسی شده مجالس و دو ترجمه مشهور آن برده نشده است. آنچه در زیر بدان خواهیم پرداخت، نمونه‌هایی از این تمایزات، و احصاء و دسته‌بندی آنها در یک بررسی کلی، و سرانجام بیان ضرورت تصحیح مجدد این تذکره با تکیه بر نسخ و منابع به دست آمده جدید، با اتخاذ شیوه‌ای التقاطی است، زیرا هیچ یک از نسخ در تمام موارد به تنهایی قابل اتکا نیستند.

۳-۳-۱) اختلافات

اختلافات در میان نسخ لطایف‌نامه بیرون از سه سنخ نیست؛ یکی اختلاف در ضبط اعلام، و دیگری اختلاف در صورت زبانی، اعم از مفردات و ترکیبات، و سه دیگر اختلاف در طبقه‌بندی ابواب و فصول. نمونه سنخ اول «مولانا حسین خوارزمی» (نوایی، ۱۹۶۱: ۹؛ همو، ۱۳۶۳: ۹ و ۱۸۵؛ اوحدی، ۱۳۸۹: ۱۱۵۷/۲) است که به اشتباه در نسخه خطی دانشگاه تهران (۱۲) و تصحیح سیدعبدالله (۱۹۳۱: ۱۸) «حسن خوارزمی» ضبط شده است. اختلاف‌های سنخ دوم نسبت به سایر اختلافات دارای اهمیت کمتری است و عموماً معنادار و سرنوشت‌ساز نیست. شایان ذکر آن‌که در بعضی اختلافات معنادار و مهم این سنخ، ضبط‌های حکمت نسبت به سیدعبدالله ارجح است و این ممکن است تنها به نسخه راجع نباشد و چیزی از جنس اغلاط مطبعی و یا بدخوانی مصحح باشد، بویژه که بعضی از این اختلافات در نسخه هم‌خانواده نسخه مورد اتکای سیدعبدالله، یعنی نسخه دانشگاه تهران، نیست. مثلاً «به سمع شریف غواصان گهرسنج» نسخه دانشگاه تهران (۳) و یا «به عرض شریف غواصان گهرسنج» چاپ حکمت (نوایی، ۱۳۶۳: ۲) در چاپ سیدعبدالله (فخری هروی، ۱۹۳۲: ۸) «به سمع شریف غواصان گهرسنج» شده است؛ و یا «کمینه مستهام» نسخه دانشگاه تهران (۷) و چاپ حکمت (نوایی، ۱۳۶۳: ۳) در چاپ سیدعبدالله (فخری هروی، ۱۹۳۲: ۱۰) به شکل «کمینه متهام» در آمده است.

و اما نمونه سنخ سوم اختلاف را می‌توان تفاوت جایگزینی برخی شعرا در فصول و اقسام کتاب دانست. مثلاً در نسخه دانشگاه تهران (۵۱-۶۱) تعداد زیادی از شعرای مجلس نهم وارد مجلس دوم شده‌اند و این در هیچ‌یک از نسخ و چاپ‌های دیگر نیست. مثال دیگر این‌که قسم‌های چهارم و پنجم مجلس نهم چاپ حکمت، هم در چاپ سیدعبدالله و هم در نسخه دانشگاه تهران، مجموعاً قسم پنجم را شامل می‌شود و به همین ترتیب مجلس ششم و هفتم و هشتم و نهم آن چاپ، مجلس پنجم و ششم و هفتم و هشتم چاپ سیدعبدالله و نسخه دانشگاه تهران را شامل می‌شود. در عوض، بخش خاتمه کتاب در این دو اثر اخیر تحت عنوان قسم نهم آمده است. همین اشکال را می‌توان به نوعی تعمیم داد، اشکالی که از نوعی به هم‌ریختگی و نقصان حکایت دارد. به عنوان نمونه، گاه دو ترجمه در نسخ دیگر در هم ادغام و تبدیل به یک ترجمه شده‌اند. مثلاً عنوان امیری شاعر و بخشی از ترجمه احوال وی، که هم در چاپ متن اصلی و هم در چاپ حکمت وجود دارد، از جای خود در نسخه خطی دانشگاه (۲۳) و چاپ سیدعبدالله (فخری هروی، ۱۹۳۲: ۳۷) و حتی عرفات‌العاشقین (اوحدی، ۱۳۸۹: ۱۶۴۹/۳) حذف گشته و ذیل احوال و اشعار زاهدی وارد شده است. به طور کلی می‌توان گفت که نسخه خطی دانشگاه تهران و چاپ سیدعبدالله نسبت به چاپ حکمت از این دست نقصان‌ها و اختصارات بیشتر دارند. همین‌جا، ضمن اشاره به نزدیک بودن نسخه لطایف نامه مورد استفاده صاحب عرفات به نسخه بریتیش میوزیم و دانشگاه تهران، یادآوری می‌کنیم که بنا به این قرائن، شاید تمامی این اختلافات و خلط و خبط‌ها را نتوان تنها متوجه کاتبان لطایف‌نامه دانست؛ باید بخشی را هم حاصل سهویات فخری هروی و یا، دست‌کم، نسخه ترکی مورد استفاده وی در ترجمه از متن اصلی دانست. هرچند نبود این موارد در چاپ حکمت و اختلافات جزئی نگارشی‌اش با نسخه دانشگاه تهران و چاپ سیدعبدالله یا همان نسخه بریتیش میوزیم این گمان را در ذهن تقویت می‌کند که از این ترجمه ظاهراً دو تحریر وجود داشته است.

۳-۳-۲) کاستی‌ها

در بررسی تطبیقی این منابع با یک‌دیگر با دو دسته کاستی مواجهیم. نخست، کاستی تراجم اعم از عنوان صرف و یا کل مطالب و شواهد آن است. مثلاً در عرفات‌العاشقین از حدود بیست و هفت شاعر نام برده شده که آنها را در هیچ کدام از چاپ‌ها و نسخ موجود لطایف‌نامه نیافتیم. حدود چهل شاعر تنها در چاپ سیدعبدالله و نسخه خطی دانشگاه تهران هستند که نه در چاپ حکمت و نه در هیچ یک از متون کمکی از آن‌ها سراغی هست. دوازده شاعر در چاپ سیدعبدالله هستند که در هیچ‌یک از نسخ خطی و چاپی اصلی و کمکی نشانی از آن‌ها نیافتیم. یازده شاعر نیز در چاپ حکمتند که در هیچ یک از منابع مذکور نیافتیم. از چهار شاعر تنها در نسخه دانشگاه تهران، و دو شاعر در همه منابع مذکور جز چاپ سیدعبدالله ذکر شده است. نمونه این کاستی‌ها در جداول پیوست مقاله خواهد آمد.

دسته دیگر از کاستی‌ها کاستی‌های متفرقه است که هم شامل شواهد و هم شامل عبارات می‌شوند؛ این نوع کاستی‌ها را بیشتر می‌توان در نسخه بریتیش میوزیم و نسخه دانشگاه تهران یافت. مثلاً، نقل قول مترجم از امیرعلیشیر در باب تاریخ مرگ امیر قاسم انوار (نوایی، ۱۳۶۳: ۷) در چاپ سیدعبدالله و نسخه دانشگاه تهران نیست. آخرین بیت غزل شاهد حافظ سعد (همان: ۸) در منابع مذکور از قلم افتاده و یا بیت نخست شواهد طوسی (همان: ۱۸) حذف شده است.

۳-۳-۳) اغلاط

چنان‌که در سطور پیشین گفتیم، عموم این چاپ‌ها و نسخ خالی از اغلاط و تصحیف و تحریف نیستند و به نظر می‌رسد در این میان کتابت نسخه تبریز که اساس تصحیح حکمت بوده است، نسبت به سایر نسخ از این لحاظ تا اندازه‌ای مضبوط‌تر است. نمونه‌های ذیل تا اندازه‌ای گواه دعوی ماست:

خواهم که چوب تیر شوم تا تو گاه‌گاه
بر حال من به گوشه چشمی کنی نگاه
(نوایی، ۱۳۶۳: ۱۳)

در چاپ سیدعبدالله (۱۹۳۲: ۲۴) «نگاه» در مصرع دوم به صورت «گناه» آمده است. ای فروغ حسن ماه از روی رخشان شما «آب روی خوبی» از چاه زنخندان شما (نوایی، ۱۳۶۳: ۱۳)

در چاپ سیدعبدالله (۱۹۳۲: ۲۷) عبارت مشخص شده را به صورت «آفتاب حسن» ضبط کرده است.

یا در همین چاپ (۳۳) «غنچه» در بیت ذیل به «مغز» تبدیل شده که هم مضمون معمایی شعر را از بین برده و هم به معنی شعرسخت آسیب رسانده است: نمیگنجد ز شادی غنچه در پوست چوسیمی نسبتش با آن دهن کرد (نوایی، ۱۳۶۳: ۱۷)

از غنچه وقتی که در پوست نگنجد، «نچ» یا همان «نچ» می ماند که بواسطه انتسابش به دهان یار در شعر، حرف «م» را هم تداعی می کند و سرانجام نام «نجم» از این معما حاصل می شود.

بیت ذیل که هر مصرعش ماده تاریخ سال ۸۴۹ است، در چاپ سیدعبدالله (۲۸) به اشتباه با تغییر کلمه «را بی» به «رای» و «وی» به «او» و «لباس» به «سپاس» ۱۹ سال به تأخیر افتاده است و البته در چاپ حکمت نیز «بلک» به اشتباه «ملک» ضبط شده است و مصرع دومش، هم از لحاظ نحوی و معنوی و هم عددی، فاسد شده است: شاهد اجلال «را بی» ملک «وی» نبود «لباس»

«بلک» اجلال از جلال او کند مجد التماس

(حکمت، ۱۳۶۳: ۱۴)

نتیجه گیری

مجالس النفایس نوایی در ایران و حتی در سرزمین های ترک زبان چندین بار به فارسی ترجمه شده، که مهم ترین و معروف ترین آنها لطایف نامه فخری هروی است. این ترجمه ابتدا توسط دکتر عبدالله تصحیح شد و طی ۱۹۳۱-۱۹۳۳ در مجله

اورینتال کالج از روی قدیم‌ترین نسخه به چاپ رسید. علی‌اصغر حکمت، احتمالاً ناآگاه از این چاپ، به تصحیح آن بر اساس تک‌نسخه نسبتاً جدیدتری دست یازید و همراه آن ترجمه حکیم‌شاه قزوینی را نیز با تصحیح دو نسخه آن به چاپ رسانید. وی با آن‌که در تصحیح این دو اثر از سه نسخه متن ترکی نیز بهره برده، اما به سبب آن‌که روش واحدی را در تصحیحش برنگزیده و تحقیقی هم پیرامون مطاوی کتاب نکرده و بالطبع تعلیقه‌ای فراهم نیاورده است، کتابی پر از ناخوانایی و بدخوانی و بی‌روشی به عرض مخاطبانش رسانده است. در این مقاله ضمن مقایسه این دو چاپ و بحثی در نسخه‌شناسی لطایف‌نامه به آسیب‌شناسی تصحیح این متن پرداخته شده و در حدّ مجال، فهرست نسبتاً مفصّلی از اغلاط و نواقص آن‌ها برای استفاده خوانندگان این اثر و ارباب تحقیق ارائه شده است. وجود چنین اغلاط و نواقصی است که چاپ انتقادی دیگری از این کتاب را ایجاب می‌کند.

یادآوری

جداول ذیل گواه این معانی است:

- (۱) از آن‌جا که موضوع اصلی بحث نگارنده چاپ حکمت است، از بیان اغلاط نسخه چاپی تاشکند و نسخه خطی مجلس به شماره ۱۳۵۲۴/۴ و عرفات‌العاشقین اوحدی خودداری شد، هرچند که تعدادشان قابل توجه به نظر می‌رسید.
- (۲) از بیان اختلافات جزئی نام‌های صاحبان تراجم خودداری کردیم و تنها به ذکر اختلافات و تصحیفات اساسی پرداختیم.
- (۳) در جداول پیوست، نقطه‌چین‌ها نشانگر ناخوانایی‌ها و خط‌چین‌ها نشانه جافتادگی‌ها و ستاره‌ها بیان‌کننده وجود مندرجات مورد نظر در متن یا متون است.
- (۴) منظور از حکمت و یا نسخه تبریز همان لطایف‌نامه موجود در مجالس‌النفایس چاپ علی‌اصغر حکمت است. مراد از سیدعبدالله و یا نسخه بریتیش میوزیم

رساله لطایف نامه منتشر شده در مجله اورینتال کالج است. مقصود از دانشگاه همان نسخه خطی لطایف نامه دانشگاه تهران است. همچنین منظور از مجلس همان نسخه خطی مجالس النفایس ترکی پیش گفته و مراد از غنیو امجالس النفایس چاپی تاشکند و سرانجام مراد از اوحدی همان عرفات العاشقین است.

اصلاح نامه

الف) نواقص متنی

صورت	صورت اصلاحی	نام مأخذ مغلوط /	مأخذ اصلاحات (کتاب/جلد/صفحه)
.....	آدم	حکمت/ح ۷۰ و	غنیو/۱۰۴/۰؛ عبدالله/۱۱۷/۰؛ تهران/۸۸/۰
.....	وفایی	حکمت/۷۰ و ۱۷۳	غنیو/۱۰۹/۰؛ عبدالله/۱۱۷/۰؛ تهران/۸۸/۰
.....	حیب	حکمت/۷۰ و ۱۷۴	غنیو/۱۰۹/۰؛ عبدالله/۱۱۷/۰؛ تهران/۸۹/۰
.....	قرانی	حکمت/۷۰ و ۱۷۵	غنیو/۱۰۹/۰؛ عبدالله/۱۱۷/۰؛ تهران/۸۹/۰
.....	شادی	حکمت/۷۱ و ۱۷۶	غنیو/۱۱۰/۰
.....	فناهی	حکمت/۷۱ و ۱۷۷	غنیو/۱۱۰/۰؛ سیدعبدالله/۱۱۸/۰؛ تهران/۸۹/۰
.....	غیاث الدین	حکمت/۷۱ و ۱۷۹	غنیو/۱۱۲/۰؛ سیدعبدالله/۱۱۹/۰؛ تهران/۸۹/۰
.....	سیدعبداللطیف	حکمت/۷۱ و ۱۸۰	غنیو/۱۱۲/۰؛ سیدعبدالله/۱۱۹/۰؛ تهران/۹۰/۰
.....	دوست محمد	حکمت/۷۱ و ۱۸۱	غنیو/۱۱۷/۰؛ سیدعبدالله/۱۲۲/۰؛ تهران/۹۲/۰
.....	ناصری	حکمت/۷۲ و ۱۸۲	غنیو/۱۱۳/۰؛ سیدعبدالله/۱۲۲/۰؛ تهران/۹۲/۰
.....	نجمی	حکمت/۷۹ و ۲۱۹	غنیو/۱۲۰/۰؛ سیدعبدالله/۱۳۵/۰؛ تهران/۱۰۱/۰
.....	نیاید تا به سالی گل ز خجلت از چمن بیرون	حکمت/۱۴۷ و ۴۲۵	عرفات/۷۸۸/۲؛ تهران/۱۸۸/۰
.....	تا کدام افتاده آن جا خاک بر سر می کند	حکمت/۱۴۷ و ۴۲۵	عرفات/۳۹۱/۶؛ سیدعبدالله/۲۵۶/۰؛ تهران/۱۹۶/۰

ب) نواقص تراجم

مجلس	غنیوا	هشت بهشت	اوحدی	تهران	سید عبدالله	حکمت
•	•	-----	-----	-----	-----	علی شهاب
•	•	-----	-----	-----	-----	محمدعلی شغانی
-----	•	•	-----	-----	-----	طوسی
-----	مشتری	-----	-----	-----	-----	-----
-----	علی دردزد	-----	-----	-----	-----	-----
-----	طالعی	-----	-----	-----	-----	-----
-----	محبی	-----	-----	-----	-----	-----
-----	بروجی	-----	-----	-----	-----	-----
•	•	-----	-----	-----	-----	صفایی
-----	•	-----	-----	-----	-----	مقیمی
-----	مظهر	-----	-----	-----	-----	-----
•	•	-----	-----	-----	درویش حسامی	-----
-----	•	•	-----	-----	-----	سلامی
-----	•	•	-----	-----	-----	فارغی
-----	•	•	-----	-----	-----	شهاب
-----	هجری	-----	-----	-----	-----	-----
-----	مشربی	-----	-----	-----	-----	-----
-----	وفایی	-----	-----	-----	-----	-----
-----	حبیب	-----	-----	-----	-----	-----
-----	حریمی	-----	-----	-----	-----	-----
-----	قلندر	-----	-----	-----	-----	-----
-----	•	-----	-----	-----	-----	خلیل

-----	*	-----	-----	-----	-----	همیتی
-----	*	-----	-----	-----	-----	فناهی
-----	قنبری	-----	-----	-----	-----	-----
-----	سیدعارف	-----	-----	-----	-----	-----
-----	لطفی ثانی	-----	-----	-----	-----	-----
-----	عدیهی	-----	-----	-----	-----	-----
-----	شبابی	-----	-----	-----	-----	-----
-----	درویش	-----	-----	-----	-----	-----
-----	عیانی	-----	-----	-----	-----	-----
-----	محمد	-----	-----	-----	-----	-----
-----	فخری	-----	-----	-----	-----	-----
-----	رکنی	-----	-----	-----	-----	-----
-----	*	-----	-----	-----	-----	حزینی
-----	*	-----	-----	-----	-----	مهدی
-----	طایفی	-----	-----	-----	-----	-----
-----	*	-----	-----	-----	-----	نایبی
-----	-----	فخرالدین	-----	-----	-----	-----
-----	-----	مقصود	-----	-----	-----	-----
-----	-----	نرگسی	-----	-----	-----	-----
-----	*	-----	-----	*	میراسدالله	-----
-----	*	-----	-----	*	میراحدالله	-----
-----	شاه علی	-----	-----	-----	-----	-----
-----	-----	-----	-----	-----	کاشی	-----
-----	*	-----	-----	*	زایری	-----

-----	قانعی	-----	-----	-----	-----	-----
-----	ضیایی	-----	-----	-----	-----	-----
-----	نوری	-----	-----	-----	-----	-----
-----	فیضی	-----	-----	-----	-----	-----
-----	*	-----	-----	*	عینی	-----
-----	*	-----	-----	*	معینی	-----
-----	خضری	-----	-----	-----	-----	-----
-----	محمد اوبهی	-----	-----	-----	-----	-----
-----	-----	-----	-----	*	قل محمد	-----
-----	*	-----	-----	*	غیاث‌الدین عزیز	-----
-----	*	-----	-----	*	کمال‌الدین عودی	-----
-----	*	-----	-----	*	علی کرمال	-----
-----	ابراهیم مشعشع	-----	-----	-----	-----	-----
*	*	-----	-----	*	خوندامیر	-----
-----	-----	-----	-----	*	شیخ ابوالفضل	-----
-----	-----	-----	-----	*	خواجه یوسف	-----
-----	-----	-----	-----	*	خواجه یحیی	-----
-----	*	-----	-----	*	حاجی محمد	-----
-----	حافظ محمد سلطان‌شاه	-----	-----	-----	-----	-----
-----	فخری	-----	-----	-----	-----	-----
-----	*	-----	-----	-----	-----	سیداسدالله
-----	*	-----	-----	*	قاسم	-----
-----	*	-----	-----	-----	-----	علی
*	*	-----	-----	-----	-----	شهاب مدون

*	*	میرک حسین	-----	-----	-----	-----
*	*	-----	-----	-----	-----	سلطان علی قائمی
-----	-----	شریف باغ شهری	-----	-----	-----	-----
-----	-----	شاه علی	-----	-----	-----	-----
-----	-----	بهلول	-----	-----	-----	-----
*	*	-----	-----	-----	-----	شیخ عبدالله
-----	-----	درویش محمد	-----	-----	-----	-----
-----	-----	انیسی حسینی	-----	-----	-----	-----
-----	-----	محمد علی	-----	-----	-----	-----
-----	-----	سلطان علی کشتی گیر	-----	-----	-----	-----
-----	*	قطب الدین	-----	-----	-----	-----
-----	*	یوسف مهنه	-----	-----	-----	-----
-----	-----	یحیی	-----	-----	-----	-----
-----	-----	میر ابراهیم	-----	-----	-----	-----
-----	-----	-----	-----	*	-----	پهلوان درویش
-----	-----	-----	-----	*	-----	پهلوان حسین
-----	*	-----	-----	*	-----	شیرم شغال
-----	*	-----	-----	*	-----	ابراهیم شاه ادهمی
-----	-----	علاء الدین	-----	-----	-----	-----
-----	-----	اهلی	-----	-----	-----	-----
-----	-----	ابابکر میرزا	-----	-----	-----	-----
-----	-----	سلطان اسکندر شیرازی	-----	-----	-----	-----
-----	-----	خلیل سلطان	-----	-----	-----	-----
-----	-----	جهان شاه میرزا	-----	-----	-----	-----

-----	یعقوب میرزا	-----	-----	-----	-----	-----
-----	غریب میرزا	-----	-----	-----	-----	-----
-----	فریدون حسین میرزا	-----	-----	-----	-----	-----
-----	محمد حسین میرزا	-----	-----	-----	-----	-----
-----	بایسنقر میرزا	-----	-----	-----	-----	-----
-----	سلطان مسعود میرزا	-----	-----	-----	-----	-----
-----	سلطان علی میرزا	-----	-----	-----	-----	-----
-----	-----	-----	-----	*	-----	عبدالصمد
-----	-----	-----	-----	-----	-----	سید قطب
-----	-----	-----	-----	-----	-----	بهشتی
-----	-----	-----	-----	-----	-----	وافی
-----	-----	-----	-----	-----	-----	زاری
-----	-----	-----	-----	-----	-----	میرعلی
-----	-----	-----	-----	-----	-----	کاتب
-----	-----	-----	-----	-----	-----	عطاء الله نیشاپوری
-----	-----	-----	-----	-----	-----	میرحبیب الله
-----	-----	-----	-----	-----	-----	ناصرالدین
-----	-----	-----	-----	-----	-----	امیری
-----	-----	-----	-----	*	حبیب الله	-----
-----	-----	-----	-----	*	یعقوب سلطان	-----
-----	-----	-----	-----	*	عیان شاه میرزا	-----
-----	-----	-----	-----	*	میر محمود	-----
-----	-----	-----	-----	*	شیلی	-----
-----	-----	-----	-----	*	حاجی آشنیز	-----

-----	-----	-----	-----	-----	محمد صبوری	-----
-----	-----	-----	-----	-----	سلطان محمد ندایی	-----
-----	-----	-----	-----	-----	خماری	-----
-----	-----	-----	-----	-----	شفایی	-----

منابع

- استوری، دیوید (۱۳۴۷). «تذکره شعرا»، ترجمه تقی بینش، جستارهای ادبی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد)، ش ۱۵، ص ۲۶۹-۲۸۲.
- اشرف‌زاده، رضا (۱۳۸۸). «شیوه نقد و نقادی در تذکره مجالس النفایس»، فصل‌نامه تخصصی ادبیات دانشگاه آزاد مشهد، شماره ۵، ص ۷-۲۳.
- اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد (۱۳۸۹). عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین، تصحیح ذبیح‌الله صاحب‌کار و آمنه فخر احمد، تهران، میراث مکتوب.
- خیام‌پور، عبدالرسول (۱۳۶۸). فرهنگ سخنوران، تهران، انتشارات طلایه.
- دانش‌پژوه، محمد تقی و ایرج افشار (۱۳۴۲). نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- راشدی، حسام‌الدین (۱۳۵۰). «فخری هروی و سه اثر او»، ترجمه محمد مظفر، جستارهای ادبی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد)، ش ۲۵، ص ۴۲۱-۵۰۸.
- سیدیونسی، میرودود (۱۳۴۸). فهرست کتابخانه ملی تبریز، تبریز، انتشارات کتابخانه ملی تبریز.
- فخری هروی، سلطان محمد (۱۹۳۱). لطایف‌نامه، تصحیح سید محمد عبدالله، اورینتل کالج، آگست، ش ۲۶، ۱-۱۹؛ (۱۹۳۲)، نوامیر، ش ۲۷: ۱۹-۸۲؛ فوریه، ش ۲۸: ۸۳-۱۵۴؛ مه، ش ۲۹: ۱۵۵-۱۷۰؛ اوت، ش ۳۰: ۱۷۱-۳۴۱.
- _____ (۱۳۶۳). لطایف‌نامه، به انضمام هشت بهشت، علی اصغر حکمت، تهران، کتابخانه منوچهری.
- _____ (۱۹۶۸). روضة السلاطین و جواهر العجایب، تصحیح سید حسام‌الدین راشدی، انتشارات انجمن ادبی سندی، کراچی.
- گلچین معانی، احمد (۱۳۶۳). تاریخ تذکره‌های فارسی، تهران، کتابخانه سنایی.
- نوایی، امیرعلیشیر (۱۹۶۱). مجالس النفایس، سویمه غنیوا، تاشکند، انتشارات آکادمیه فنلار.
- _____، کتابت امیر محمد صفی‌شاه (سال ۹۷۱ق)، نسخه شماره ۱۳۵۲۴.

